

تورو خدا مارو ببرید سفر

بچه سر دبیر اضافی

شکل دگر خندیدن



هوایما گیر نیاوردم! نگران نباشید، البته همه ما باور می‌کنیم! تازه می‌دانیم با این ادعا فرصتی استثنایی در اختیار شریک زندگانتان، یعنی والدۀ محترمه‌مان می‌گذارید تا هم کلی خوش به حالش شود و هم کلی از حساب‌ها را در فامیل تسویه و کلی خرده‌حساب‌ها را تلافی کند.

۷. پدر جان، اصلاً ترسید! اگر احتمالاً فامیل یا آشنایی ادعا کرد می‌تواند بلیت هوایما برایتان تهیه کند (مثلاً به این دلیل که کارمند یک شرکت هوایمایی است) خیلی راحت قبول نکنید و قاطعانه اظهار کنید که نمی‌خواهید زیر منت کسی باشید. ما هم خیلی راحت با مشکل شما کنار می‌آییم!

۸. راه‌های دیگری هم بلدیم که شاید شما شنیده و به کار نبسته باشید؛ مثلاً اگر مجبور شدید ما را به مسافرت ببرید، در شهر مقصد مواظب باشید نقشه یا راهنمایی از شهر به دست ما و دیگر اعضای خانواده نیفتد، وگرنه از جاهای دیدنی شهر اطلاع پیدا می‌کنیم و آن وقت است که شما به دردسر می‌افتید!

۹. البته حتماً خودتان پیش از سفر، اطلاعاتی را درباره مناطق دیدنی آنجا به دست آورده‌اید تا اگر احتمالاً ما و دیگر اعضای خانواده از وجود جایی دیدنی در آن شهر اطلاع یافتیم شما بتوانید با اطلاعاتی که دارید و مقایسه جای دیدنی این شهر با جاهایی از شهر خودمان هم ما را قانع کنید، که هیچ فرقی بین آنها نیست و پس از بازگشت می‌توانید سر فرصت از نمونه مشابه در شهر خودمان دیدن کنید. مثلاً فلان بنای تاریخی را با فلان ساختمان کلنگی در محله‌مان، فلان رودخانه در آن شهر را با جوی... محله پایینی، پارک ملی فلان‌جا را با بوستان بغل خانه‌مان و... مطمئن باشید ما فرزندان حرف گوش کنی هستیم!

۹. شما می‌توانید تا ماه‌ها، بلکه سال‌ها از این سفر استفاده تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و... بکنید و تا مدت‌ها ما و دیگر اعضای خانه را برای کاهش بعضی از هزینه‌های ضروری و غیرضروری مجاب و در رودربایسی قرار دهید.

۱۰. با همه سختی‌ها، هزینه‌ها، قرض‌ها و... فرصتی برای استراحت، تجدیدقوا و دور بودن از فضاهای تکراری و روزمره پیش می‌آید، پس سعی کنید خود و خانواده‌تان در طول سفر از این فرصت بیشترین بهره را ببرید و حداقل در این مدت کوتاه با به رخ کشیدن «بر باد رفته‌ها» اوقات خود و دیگران را تلخ نکنید. پس لطفاً لبخند بزنید.

می‌کند!

۴. پدر جان، البته خیلی جسارت است، اما خودتان هم می‌دانید... با بچه‌هایی که دارید!... بالاخره باید تسلیم شوید. پس با یک حساب دودوتا چهارتا ما و دیگر اعضای خانه، مسافرت را نسبت به غنی‌سازی (البته از نوع اوقات فراغت) خانواده در شهر پیشنهاد می‌دهیم، زیرا در مورد دوم علاوه بر صرف هزینه مشابه مورد اول، از مزایای آبوهوا عوض کردن محروم می‌شوید و در ثانی احتمال این خطر نیز می‌رود که غنی‌سازی از فامیل جهت غنی‌سازی اوقات و به بهانه تازه کردن دیدار به شهرمان بیایند و... (به دلیل وجود صحنه‌های دلخراش و جانگداز از ذکر آنها معذوریم).

۵. البته از پدر بزرگوارمان دفاع کنیم و بگوییم، امسال کارت سوخت و سهمیه‌بندی بنزین موضوع مناسبی برای غرزدن و بهانه‌تراشی است، این فرصت طلایی را از دست ندهند!

۶. با توجه به مشکلات تهیه انواع بلیت حدس می‌زنیم شما پدر بزرگوارمان در فرصت حداقل دو تا سه هفته‌ای که به دنبال بلیت اتوبوس هستید می‌توانید ادعا کنید: می‌خواهم شما را با هوایما به مسافرت ببرم (حتی اگر شهرمان یا شهر مقصد فرودگاه نداشته باشد!) و بعد هم بگویید: بلیت

۱. پدر جان، هیچ وقت آرزو نکنید فرزندانتان تجدید بیاورند، به این امید که از هزینه غنی‌سازی (البته از نوع اوقات فراغت) آنان راحت شوید؛ زیرا هزینه کلاس‌های جبرانی، تضمینی، تقویتی و... اگر بیشتر از هزینه غنی‌سازی نباشد کمتر هم نیست.

۲. همه می‌دانیم که در طول سال از گردآوری اسناد و مدارک لازم دریاۀ مضرات بعضی از تفریحات پرهزینه غافل نبوده‌اید تا بتوانید به موقع از این مدارک جهت مجاب کردن ما و دیگر اعضای خانواده بهره ببرید؛ مثلاً جمع‌آوری گزیده جراید درباره حوادث ناگوار در استخرها یا مضرات رایانه و... البته مطمئن باشید که اعضای خانواده هم در مقابل به گردآوری اسناد و مدارکی در زمینه فواید همان تفریحات پرداخته‌اند!

۳. پایان امتحانات فرزندان، همه پدرها و مادرها خود را برای یک مقاومت و چانه‌زنی نفس‌گیر در مقابل پیشنهادات (!) درخواست‌ها، فشارها و تهدیدهای احتمالی اعضای خانواده‌شان برای غنی‌سازی (!) آماده می‌کنند و فکر می‌کنند هرچه مقاومتشان بیشتر باشد زمان بیشتری از دست می‌رود و اعضای خانواده فرصت کمتری برای غنی‌سازی دارند و در نتیجه، هزینه‌های آنان کاهش می‌یابد، اما تجربه چیز دیگری را ثابت